



جلسه ششم روانشناسی رشد ۱۴۰۲/۱/۲۹

استاد خانم ریحانی

از تولد تا یک و نیم سالگی: در این دوران باید همه نیازهای نوزاد به موقع و به مقدار لازم و در همان لحظه انجام شود نتایج مثبت آن اگر نیازها به موقع برآورده شود احساس اعتماد به خود و دیگران پیدا می کند و بچه خوش بین می شود راحت ارتباط برقرار می کند و پرخاش گری کم می شود چون پاسخ نیازش را دیده است مادر باید در دسترس فعال باشد یعنی کل هوش و حواسش به بچه باشند و اگر اعتماد ایجاد نشود فرد ناآرام و اضطرابی می شود

یک و نیم تا سه سالگی: استقلال در برابر شرم: بچه ها در این سنین شادمانی را از استقلال به دست می آورند و بچه هایی که خودشون غذا می خورن شادتراند رشد جسمی و تجربه های شان بیشتر است به کارگیری مهارت ها به روش خود انجام می دهند و احساس به عدم نیاز به مراقبت بیش از حد است اگر نیازهایش درست برآورده شود نتایج مثبت آن شامل اعمال اراده و خودکنترلی و توانایی انتخاب قوی است.

سه تا شش سالگی: در این دوران احتمال برچسب زدن و شیطنت و بیش فعالی به بچه ها زیاد است که درست نیست چون بچه ها دانشمندان کوچک اند و کنجکاوند و زمینه ارضای این کنجکاوی اگر درست باشد باعث تثبیت هوشمندی می شود که در قالب بازی هدفمند شکل می گیرد همان طور که امام صادق فرمودند هفت سال اول بچه را رها کن تا بازی کند و عمده زبان فراگیری زبان بازی است بچه زیر هفت سال باید بتواند رختخواب خود را مرتب کند دکمه لباس را ببندد و غیره نیروی بی پایان برای دستیابی به هدف دارند و به شدت همانندسازی می کنند اگر از این نیروی مفراطش درست پاسخ گرفته نشود منجر به احساس گناه حسادت مفراط می شود بهترین نیاز به تقویت کننده دارند مانند همسالان و پشتیبانی خانواده خود که نتیجه اش می شود لذت از پیشرفت ایجاد اعتماد به نفس و هدفمند کردن کارها که مقدمه بهتر عمل کردن در مراحل بعدی رشد است.

شش تا دوازده سالگی: ویژگی این دوره سازندگی در برابر حقارت است بچه ها در این سن چون با ذهنشان می خواهند کار کنند و تکاپو و فعالیت جسمی ایشان کم شود می شود اگر برچسب تنبلی بزینم باعث حقارت می شود.

دوازده تا بیست سالگی: احساس هویت در برابر آشفتگی نقش است در این دوران برچسب خودسری و دینی به بچه ها زده می شوند شک ایجاد می شود که شک مقدمه یقین است ولی در آن نه ماندن مهم است حساس ترین دوران فرد است و عقاید دوران کودکی فرو می ریزد و همه چیز را عقلی می بیند. پل بین کودکی و بزرگسالی است و کودک توان ورود بزرگسالی را ندارد اما بچه هم دیگر نیست مهم ترین مرحله رشد انسان است و تلاش برای انطباق با جامعه را دارد مدت کوتاهی است و شکل گیری هویت از طریق خودسنجی است یعنی تصور از خود که ناشی از بازتاب ارزیابی های دیگران است؛ **نتایج مثبت:** تداوم و یکپارچگی شخصیت و احراز شغل که کسب شغل مقدمه ی



خوبی خواهد بود. **نتایج منفی:** ناتوانی در ایفای نقش و فقدان معیارهای رفتاری مشخص. حضرت علی ع فرمودند:
دل نوجوان زمینه آماده است که هر بذری کاشته شود می پذیرد.

مشخصات ویژه نوجوانی: انتقال از وابستگی کودکي به استقلال و مسئولیت پذیری جوانی و بزرگسالی است
درگیری اصلی نوجوان با دو مسئله اساسی است یک: بازسازی ارتباط با والدین و جامعه و بزرگسالان دو: بازشناسی
خود به عنوان فرد مستقل که رفتارش گاه کود کانه است و گاه مانند بزرگسالان است.

بیست تا چهل سالگی: احساس صمیمیت در برابر انزواست. بعد از آن دوران میان سالی که فرد کار هیجانی نمی کند
و بیشتر کارهایش عقلانی است بحران میان سالی بحث رشدی در آن طبیعی است و در بحران اختلاف نظر وجود دارد
ولی آن چیزی که مشخص است ابتدا و انتهای زندگی رضایت وجود دارد چون خانواده بیشتر با هم هستند